

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمود دلخواسته

۱۵ مارچ ۲۰۲۴



محمود دلخواسته

اسرائیل و آینده آن؛ در آئینه خودسوزی آران بوشنل در اعتراض به نسل کشی اسرائیل

پایداری و گسترش پیام آران بوشنل را در سخن چس فریمن، دیپلمات کهنه کار امریکائی می بینیم که با اشاره به نسل کشی اسرائیل در غزه و واکنش جامعه بشری، از جمله آران بوشنل، می گوید که همیشه سخن از "حق اسرائیل به وجود داشتن" می باشد و حال سؤال این است که: آیا اسرائیل شایستگی زیستن را دارد؟ ... پاسخ به این سؤال را اسرائیلی ها نیاز دارند بدهند

آران بوشنل، افسر نیروی هوایی امریکا، در اعتراض به نسل کشی اسرائیل در غزه و همدستی دولت امریکا در ارتکاب "عظیم ترین جنایتها" خود را به آتش کشید (۱)

زمانی که در نهایت بهت و ناباوری، فلم به آتش کشیدن وی را که با فریاد "فلسطین آزاد" همراه بود دیدم، یاد تصاویر راهبان بودائی ویتنامی در اعتراض به جنگ ویتنام، در دوران نو جوانی ام افتادم که با حیرت و مات زدگی به آن می نگریستم آنگاه که شعله های آتش، راهب را در خود پیچیده و او در آرامش، نظاره گر مرگ خود شده بود. راهب، دردناک ترین مرگها را انتخاب کرده بود تا از زندگی دیگر انسانها دفاع کند.

برای تعداد انگشت شماری از انسانها، زمانهائی فرا می رسد که مشاهده ظلم و جنایت بر دیگران، آتشی در درون آنها ایجاد می کند که مؤثر ترین سلاح مبارزه علیه آن ظلم و جنایت را برونی کردن آتش درون خود می یابند. چنین واکنشی به درد و رنج و مهنهت دیگران، نمایش بارز عمق همدردی تمام عیار و مصداق درک این شعر جاودانی سعدی است:

تو کز مهنهت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی.

آران بوشنل، یک سفید پوست امریکائی مسیحی جوان است. او نه فلسطینی است و نه مسلمان و نه رنج نژاد پرستی را تجربه کرده است. سفید پوستی که در خانواده ای مسیحی و مؤمن متولد شده و از امتیازات بسیاری که برای این دسته از امریکائیان وجود دارد، همیشه و حتی بدون این که به آن بیندیشد بهره برده است. یعنی انسانی است که در ظاهر، می باید کمترین احساس همدردی با مردمی در سرزمینی دور، با دین و آئینی بیگانه که قربانی نسل کشی، به دست دیگر مردمی که دچار اپیدمی سادیسم شده اند، داشته باشد.

ولی در نهاد این سفید پوست مسیحی امریکائی، یک انسان وجود دارد. انسانی که عصبهای احساسی همدردی و همدلی او با دیگر انسانهای قربانی ظلم و جنایت، بشدت حساس است. چنان حساس که برای اعتراض به همکاری دولت خویش در نسل کشی که ارتش اسرائیل با شادی تمام مشغول انجام آن است و نیز حمایت از حقوق انسانی مردم فلسطین، در دناکترین و غیر قابل تصور ترین مرگها را انتخاب می کند.

هدف از سخن در اینجا ستایش از انتخاب مرگی اینچنین نیست. چرا که مرگ را روش مبارزه برای زندگی نمی دانم. مبارزه علیه ظلم، به خصوص در استبدادها، خطر مرگ را هم در خود دارد و مبارز، چنین خطری را می پذیرد ولی انتخاب مرگ به عنوان تنها سلاح مبارزه، سخنی دیگر است. در هر حال، آران انتخاب خود را کرد و من تنها یکی از آن بیشمار انسانهایی هستم که در این رابطه می اندیشم و می نویسم. آنهم نوشتن فردی، که مسئولیت قلم را می فهمد و کوشش دارد که هرگز مشوق دیگرانی نباشد که ممکن است این روش مبارزه را انتخاب کنند. شخصاً همواره روش مبارزاتی و تلاشم این بوده است که در زمان خطر، همیشه خطر را فقط و فقط برای خود انتخاب کرده ام و هیچ گاه دیگری را به آن دعوت نکرده ام چرا که هر انسانی نیاز دارد تا در آزادی کامل، خود راهش را انتخاب کند و دچار هیچ گونه فشار و اجباری از بیرون و درون نباشد.

در عین حال که، با این نوع روش مبارزه علیه ظلم، شخصا موافق نیستم ولی در اینجا کوشش من در توضیح و یا انتقال چرایی انتخاب اینگونه روش است و این که چرا و چگونه انسانی، خود را به مشعلی سوزان تبدیل می کند تا از

زندگی دیگران دفاع کند؟

پروفسور کورنل وست، نامزد ریاست جمهوری، عمل آران را شهادت توصیف می کند و در پاسخ به سؤال این که آیا آران بوشنل را شهید می داند، پاسخ میدهد:

"کلمه شهید و شاهد، در زبان یونانی دارای ریشه مشابهی می باشند و معنی شهید این است که انسانی بهای نهائی را هدف و الائی پرداخت کند. من باور دارم که کوشش برای توجهات را به نسل کشی/جنوساید جلب کردن تا جلوی نسل کشی گرفته شود، هدف والا و ارزش برتر است. بنا بر این، بله، او یک شهید است(*)".

چگونه چنین مرگی گزارش شد؟

زمانی که آران خود را در برابر سفارت رژیم آپارتاید اسرائیل در واشنگتن به آتش کشید، دستگاه ضد اطلاعات اسرائیل از طریق رسانه های در اختیار خود به سرعت به کار افتاد. چرا که آنها باید توضیح می دادند که چگونه یک افسر نظامی سفید پوست مسیحی ارتش امریکا، شدیدترین و باورنکردنی ترین اعتراض ممکن را نسبت به جنایات اسرائیل انجام داده است؟ چرا که چنین اعتراضی بسرعت و بشدت جامعه سفید پوست امریکائی را حساس و کنجکاو می کرد تا بداند که چرا یکی از آنها چنین اعتراض غیر قابل تصویری را انجام داده است؟ البته پاسخ به چنین سؤالی تنها خشم رو به افزایش در امریکا را نسبت به جنایتهای اسرائیل بیشتر کرده و در نتیجه حمایت دولت امریکا از اسرائیل را سخت و سخت تر.

بنا بر این، دو روش به کار گرفته شد:

- کوشش بسیاری شد تا هم به خبر اول رسانه ها تبدیل نشود و هم بسرعت از خبرها حذف شود. به این ترتیب بیشتر خبرها محدود به خودسوزی آران بوشنل شد و هیچ گزارشی از چرائی **چنین مرگی منتشر نشد**. (۲)
- ترور شخصیت آران شروع شد و این که او **دارای بیماری و مشکل روانی بوده** (۳) و یک آنارشیت است.

(آنارشیتسم در فرهنگ اجتماعی و سیاسی امریکا بار منفی قوی دارد)

ولی از آنجا که جامعه سیاسی امریکا، در رابطه با نسل کشی اسرائیل در غزه، روز به روز فعال تر می شود و به خصوص اندیشمندان و دانشجویان یهودی انسان دوست که، در امریکا، در صف اول مبارزه علیه جنایتهای اسرائیل قرار دارند و نیز از آنجا که رسانه های بشمار اجتماعی، مانند نهرهای کوچکی که در نهایت به هم پیوسته و رودخانه ای عظیم را تشکیل می دهند، حال، خود به ابر قدرت رسانه ئی تبدیل شده و رسانه هائی را که قدرت عظیم سرمایه در پس آن خوابیده است در موضع دفاعی قرار داده اند. در نتیجه روش رسانه های عظیم، اگر چه در کوتاه مدت، ممکن است اثر داشته باشد ولی در ورای آن، هم از اثر می افتد و هم به "ضد اثر" تبدیل می شود. از جمله سازندگان این دروغ در برابر این سؤال قرار می گیرند که بر فرض هم اینگونه بوده است و آران، بیمار روانی بوده است، سؤال این است که اگر اسرائیل مشغول نسل کشی با حمایت فعال امریکا نبود، باز هم بیماری او اینگونه عود می کرد و خود را به آتش می کشید؟

سخن آخر این که، آران، در لحظات قبل از به آتش کشیدن خود، خودش به ما می گوید که تصمیم او تصمیمی آگاهانه بود و تلاش انسان از جان گذشته ای است که کوشش دارد تا مانع ادامه کشتار کودکان و زنان و مردان فلسطینی در غزه شود:

"من دیگر دستیار نسل کشی/جنوساید، نخواهم بود. من در شرف انجام شدیدترین اعتراضات می باشم. اما این عمل، در مقایسه با آنچه که مردم فلسطین به دست استعمار گران خود تجربه می کنند، اصلاً شدید نیست. این (کشتار فلسطینی ها) چیزی که طبقه حاکمه ما تصمیم گرفته اند که عادی است."

و زمانی که شعله آتش او را در بر می گیرد، فریاد "فلسطین آزاد" را سر می دهد.

البته که می شود روش او را نقد کرد ولی پیام او را نه. چرا که پیامی است به وجدانهای بشری و بنابر این، پیامی است ماندگار. چرا که وجدان بشری همیشه نمایندگانی دارد که فریاد اعتراض به ظلم را به شدیدترین وضع ممکن اظهار می کنند.

پایداری و گسترش پیام او را در سخن چس فریمن/Chass W. Freeman، دبیرمات کهنه کار امریکائی می بینیم که با اشاره به نسل کشی اسرائیل در غزه و واکنش جامعه بشری، از جمله آران بوشنل، می گوید که همیشه سخن از "حق اسرائیل به وجود داشتن" Israel's right to exist/می باشد و حال سؤال این است که:

"آیا اسرائیل شایستگی زیستن را دارد؟/ **"Does Israel deserve to exist?"** (۴)

سربازان قدیمی veterans/امریکائی نیز در همبستگی و حمایت از پیام آران بوشنل، با فریاد "فلسطین آزاد" یونیفورمهای نظامی خود را به آتش کشیدند. نظامیان سابق سیاه پوست و سفید پوست در کنار یک دیگر و در اعتراض به کشتار، خشم خود را نسبت به دولت خود که دستیار اسرائیل در ارتکاب "**عظیمترین جنایتها**" ست نشان می دهند. (۵) این در حالیست که رسانه های اصلی، به حمایت خود از جنایات اسرائیل ادامه می دهند و یا چشم بر آن می بندند و یا آن را توجیه می کنند. برای نمونه، روزنامه نیویارک تایمز بسیار گویائی دارد:

این روزنامه، چنان از جنایات اسرائیل دفاع کرد و می‌کند که حتی بعد از این که به گونه‌ای مستند معلوم شد که گزارش روزنامه مبنی بر این که حماس در ۷ اکتوبر به گونه‌ای سیستماتیک به زنان و دختران اسرائیلی تجاوز کرده است، (۶) با وجود رخ دادن تجاوزات جنسی، روشی سیستماتیک نبوده است. (۷)

بیشتر، پژوهش‌های گسترده تلویزیون الجزیره به زبان انگلیسی نشان می‌دهد که حتی یک مورد را نیافته‌اند که با اطمینان بشود گفت که تجاوز رخ داده است. (۸) بیشرمانه به دفاع از غیر قابل دفاع می‌پردازد. (۹) ولی چشم به تجاوزات جنسی به دختران و زنان و شکنجه زندانیان فلسطینی در زندانهای اسرائیل می‌بندد. (۱۰) یادمان باشد که این همان روزنامه‌ای است که سردمدار حمایت حمله آمریکا به عراق شد. (۱۱) و بعد از این که هزاران سند در مورد داعش را از عراق ربود. (۱۲) تازه پس از مرگ بیش از یک میلیون نفر و در زمانی که معلوم شده بود که توجیه دولت آمریکا و انگلستان برای حمله به عراق، مثنی دروغ نبوده است، مجبور به عذرخواهی شد. (۱۳)

حال معلوم نیست که چه زمانی این روزنامه در مورد ترویج دروغ استفاده سیستماتیک از تجاوز جنسی به عنوان سلاح جنگی، که آتش‌کشتار جمعی و نسل‌کشی فلسطینی‌ها در غزه را روشن نگاه داشت، معذرت خواهد خواست. جولیان آسانز گفته بود که اگر رسانه‌ها به وظیفه خود عمل کرده و راست بگویند، هیچ جنگی رخ نخواهد داد. عملکرد این روزنامه، به خصوص از زمان حمله آمریکا به عراق، نشان از صحت این نظر دارد.

ولی معذرت خواستن یا عدم عذرخواهی این روزنامه مهم نیست. مهم آن است که به یمن حضور فعال فضاها مجازی و شجاعت بیمانند مردم غزه در انتشار گزارشات جنایتهای ارتش اسرائیل، وجدان جهانی علیه اسرائیل سخت فعال شده است (متأسفانه فعالان حقوق بشر در وطن، سکوت پیشه کرده‌اند و این نشان از آن دارد که هنوز با مقوله حقوق بشر اینهمانی نجسته‌اند که خود پژوهشی دیگر را می‌طلبند.) و دست دولتهای غربی مدعی مدافع کرامت و حقوق انسان، در نزد اکثریت مطلق مردم جهان و مردم خودشان رو شده است. حال این مردم، به خصوص، در خارج از غرب، بیش از هر زمان می‌دانند که برای قدرتهای غربی، حقوق بشر رابطه مستقیم با رنگ پوست انسان دارد و رنگ هر چه کمتر سفید باشد، بیشتر قابل نقض کردن است. (۱۴) حال این مردم از خود می‌پرسند که کشوری آپارتاید (۱۵) که برای اولین بار تروریسم و "دولت مذهبی" را به غرب آسیا/خاور میانه، معرفی کرد و کشوری که مرز ندارد و مرزهایش به طور دائم، از طریق پاکسازی قومی و ویران کردن خانه‌ها و به آتش کشیدن مزارع (۱۶) و تجاوزات نظامی، در حال گسترش است و کشوری که برای فلسطینی‌ها سه راه حل بیشتر پیش‌پا نشان نگذاشته است و این که باید وضعیت مادون انسان را بپذیرند و یا وطنشان را ترک کنند و یا کشته شوند. (۱۷) یعنی کشوری از زمان پیدایش خود به روش مشت آهنین برای سرکوب فلسطینی‌ها و کشورهای همسایه روی آورده است و حتی یک دوست ندارد و از زمان پیدایش، به عنوان آخرین پروژه‌ای که استعمار آن را ایجاد کرد و محافظت، عامل اصلی بی‌ثباتی در منطقه می‌باشد:

"آیا استحقاق زیستن (در کنار دیگر ملتها) را دارد؟"

پاسخ به این سؤال را اسرائیلی‌ها نیاز دارند بدهند و این که آیا اصول حقوق بشر را در رابطه با فلسطینی‌ها، صاحبان اصلی این سرزمین، خواهند پذیرفت و در حقوق شهروندی با خود برابر؟ آنهم در دنیایی که قدرتهای غربی حامی این پروژه استعماری روز به روز بیشتر زمینه را به قدرتهای سر بر آورده در آسیا و آفریقا و امریکای جنوبی می‌بازند. یعنی کشورهایی که خود تجربه تلخ استعمار را از سر گذرانده‌اند و درد و تحقیر و تبعیضی را که فلسطینی‌ها هر روز آن را زندگی می‌کنند، را احساس کرده‌اند، حال یا به ابر قدرت تبدیل شده و یا بر قدرت خود می‌افزایند.

چنین احساس همدردی است که امروز افریقای جنوبی را بر آن می دارد تا اسرائیل را به جرم نسل کشی/جنوساید، فلسطینی ها، که عظیمترین جنایتهاست، به مهمترین دادگاه جهانی ببرد. البته اگر اسرائیل، تجدید نظری جدی در نوع نگاهی که او را به طرف ارتکاب عظیمترین جنایتها کرده است، نکند و کوشش در جبران خسارت نکند، فردا، این کشورها از طریق تحریمهای همه طرفه و فشارهای شدید فرهنگی و سیاسی و ورزشی، غرب را در وضعیتی قرار خواهند داد که یا باید منافع خود را قربانی دفاع از دولتی نژاد پرست و سلطه گر کند و یا در دفاع از منافع خود، اسرائیل را به حال خود رها کند.

این در حالیست که دول غربی که در طول بیش از ۷۰ سال از این پروژه استعماری خود بی اما و اگر دفاع کرده اند، حال به گونه ای روز افزون قدرت و توان خود را از دست می دهند. یعنی غربی که به قول پروفیسور مایکل برنر، با به کار گیری سیاستهایی نا بخردانه، دچار خود کشی جمعی شده است:

"...در اینجا با معنایی روبه رو هستیم. چرا که در نتیجه آن، غرب خود را در مسیر خودکشی جمعی قرار داده است. خودکشی اخلاقی در غزه؛ خودکشی دیپلماتیک – پایه های آن در اروپا، خاورمیانه و سراسر اوراسیا (اروپا – آسیا)؛ خودکشی اقتصادی – دالر- که بر سیستم مالی جهانی قرار گرفته است به خطر افتاده است، صنعت زدائی در اروپا. این تصویر زیبایی نیست. به گونه ای شگفت انگیز، این خود ویرانگری، در حالی رخ می دهد که هیچ ترومای عظیمی رخ نداده است – چه داخلی و چه خارجی. **معما اینگونه در برابر ما قرار گرفته است**" (۱۸)

البته چنین غربی و در چنین وضعیتی، زمانی که متوجه شود که لازمه حفظ خودش، دست برداشتن از حمایت از دولت آپارتاید و نژاد پرست اسرائیل است، البته که دست از حمایت خواهد برداشت. چرا که در گفتمان قدرت و توازن قوا، اندیشه راهنمایی که اوجب واجبات است همان حفظ خود به هر قیمت است. در نتیجه و از آنجا که اسرائیل با سیاستهای نژاد پرستانه و تجاوز گرانه خود، در منطقه دشمن بر دشمن افزوده است و در حالی که تنها و منزوی شده است، در اندک زمانی پایان خود را رقم خواهد زد. آنگاه سراغ این کشور را باید از کتابها و گزارشهای تاریخی گرفت و این که چگونه، مردمی که خود قربانی نسل کشی/هولاکاست/جنو ساید شدند، مردم دیگری را دچار نسل کشی کردند و اینگونه امکان زیست تاریخی خود را از بین بردند.

این که آیا چنین آینده ای در انتظار اسرائیل است و یا مردم اسرائیل قادر خواهند بود تا مسؤولیت ظلمها و جنایتهای خود را پذیرفته و سعی در جبران مافات کرده و باز سازی کنند و خود را در حقوق بشر و حقوق شهروندی با فلسطینی ها برابر دانسته و اینگونه در صلح و امنیت در کنار فلسطینی ها و کشورهای همسایه زندگی کنند را مردم اسرائیل باید بدهند.

(*) https://youtu.be/wbV2M_cZj9c?t=752

(۱)

[Aaron Bushnell set himself on fire outside an Israeli embassy. It is our loss he is no longer with us | Moira Donegan | The Guardian](#)

(۲)

[How the media failed Aaron Bushnell \(youtube.com\)](#)

(۳)

<https://www.washingtonpost.com/opinions/2024/02/29/aaron-bushnell-suicide-protest/>

(۴) <https://youtu.be/woShjDlwbGU?t=1328>

(۵)

US Veterans Burn Uniforms At Vigil For Aaron Bushnell, Air Force Member Who Set Himself On Fire (youtube.com)

(۶)

<https://www.nytimes.com/2023/12/28/world/middleeast/oct-7-attacks-hamas-israel-sexual-violence.html>

(۷) <https://theintercept.com/2024/02/28/new-york-times-anat-schwartz-october-7/>

(۸) <https://www.youtube.com/watch?v=mArZ60k9EEo>

(۹)

<https://edition.cnn.com/2024/03/01/media/ny-times-stands-by-reporting-hamas/index.html>

(۱۰)

<https://www.middleeasteye.net/news/war-gaza-un-experts-appalled-reports-rape-and-sexual-assault-palestinian-women-and-girls>

(به گزارش سازمان ملل نیز توجه شود.)

<https://www.un.org/sexualviolenceinconflict/press-release/israel-west-bank-mission/>

گزارش اولیه سازمان ملل متحد که در آغاز می گوید ماهیت تحقیقی نداشته است و بیشتر اسناد و مدارک مورد تحقیق را دولت اسرائیل در اختیار آنها گذاشته است، در این گزارش سخن از خشونت و تجاوزات جنسی نسبت به زنان زده شده است و نیز خشونت جنسی نسبت به دختران و مردان فلسطینی در زندانها. (گزارش دیگر می گوید که حداقل دو دختر فلسطینی در زندانهای اسرائیل مورد تجاوز قرار گرفته اند. اضافه می کند که به علت فرهنگ سنتی فلسطینی ها، عامل شرم، مانع می شود تا دیگر قربانیان به زبان بیایند.

<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2024/02/israelopt-un-experts-appalled-reported-human-rights-violations-against>

گزارش ادامه می دهد که با وجود کوشش، حتی نتوانسته است یک قربانی جنسی را شناسایی کرده و مصاحبه کند. در آخر، از دولت اسرائیل درخواست می کند که به سازمانهای حقوق بشر اجازه دهد که تحقیقی مستقل و گسترده را در این باره انجام دهند. یعنی کاری که تا به حال دولت اسرائیل مانع انجام آن شده است. گزارش از طرف اسرائیل و حماس مورد حملات و انتقادات شدیدی قرار گرفته است.

(۱۱)

<https://www.smh.com.au/opinion/the-new-york-times-role-in-promoting-war-on-iraq-20040323-gdilbl.html>

(۱۲)

<https://www.aljazeera.com/opinions/2018/4/24/how-the-nyt-partook-in-the-plunder-of-iraq>

(۱۳)

<https://www.theguardian.com/media/2004/may/26/pressandpublishing.usnews>

(۱۴) <https://www.amnesty.org/en/latest/campaigns/2022/02/israels-system-of-apartheid/>

(١٥) <https://www.amnesty.org/en/latest/campaigns/2022/02/israels-system-of-apartheid/>

(١٦)

<https://www.reuters.com/article/idUSKBN27E1Y5/>

(١٧)

<https://www.versobooks.com/en-gb/blogs/news/the-war-on-gaza-and-israel-s-fascism-debate>

(١٨) <https://scheerpost.com/2024/03/07/michael-brenner-the-wests-reckoning/>